

هایدگر

دامنه‌ی فلسفی و سیاسی اندیشه‌ی او

کنفرانس هایدلبرگ (۱۹۸۸)

ژاک دریدا

هانس-گئورگ گادامر

فیلیپ لاکو-لابارت

تدوین، ارائه‌ی متون و حاشیه‌ها از میری کل-گروبر
با یادداشتی از ژان-لوک نانسی و مقدمه‌ای از راینر ویل

ترجمه‌ی شروین اولیایی



فهرست

۱ رویداد آرشیو

- ژان-لوک نانسی، یادداشت سال ۲۰۱۴ ۷
رایتر ویل، مقدمه ۱۱
میری کل-گروبر، رویداد آرشیو ۱۳

۲ کنفرانس هایدلبرگ

- کنفرانس ۵ فوریه ۱۹۸۸ ۲۹
ملاقات ۶ فوریه ۱۹۸۸ ۸۷

ضمایم

- هانس-گنورگ گادامر، «همچون افلاطون در سیراکوز» ۱۱۷
واکنش هایی از مطبوعات آلمانی و فرانسوی ۱۲۱
نمایه ی نام ها ۱۴۳

رویداد آرشیو

میری کل-گروبر

رویداد اتفاق افتاد: آن لحظه لحظه‌ای عظیم از مباحثه (Auseinandersetzung) و حقیقت (ها) بود. مابین هانس-گئورگ گادامر، ژاک دریدا و فیلیپ لاکو-لابازت. رویداد پخش و ضبط شد، برخی از آن عکس گرفتند، تلویزیون (Westdeutscher Rundfunk) از آن فیلم برداری کرد و بسیاری از خبرنگاران ویژه‌ی نشریات آن را گزارش کردند. سپس، هر یک از طرفین آن را از نو رونویسی و تصحیح کردند؛ دریدا آن را بازخوانی کرد، گادامر درخواست کرده بود که دریدا بیانات شخصی او را نیز بازبینی کند. متن بحث علنی و ملاقات فردای آن روز در حضور روزنامه‌نگاران، آماده شد. بسیار خوب، همگی ما موافق این بودیم که انتشار آن را به وقتی دیگر موکول کنیم: در انتظار این که تنش‌ها کم شود و جنجال تأثیرات غیر قابل کنترل رسانه‌ای فروکش کند.

آن‌چه امروز، بیست و پنج سال بعد، از آن لحظه به ما می‌رسد، رویداد آرشیو است - در {دل} حقیقت. یعنی آن‌چه از امر سیاسی برمی‌خیزد (arkheion) به خانه‌ای اطلاق می‌شود که آرخون‌ها^۱ مدارک رسمی را در آن نگهداری می‌کردند. آرشیو که وسیع‌تر از خاطره است، رو به سوی گذشته ندارد: حرکت‌اش در اکنون

۱. ἀρχων (آرخون) یونانی به معنای «رئیس» و «حاکم» است، حرف خی (χ) که صدای (خ) می‌دهد در زبان فرانسه با (ch) آوانویسی می‌شود و (ش) تلفظ می‌شود، به همین خاطر واژه‌ی فرانسوی که در نهایت مشتقی از «آرخون» (ἀρχεῖον) یونانی است، «آرشیو» تلفظ می‌شود. (م)

خوانش و نوشتار مندرج است و طالب آینده^۱ است. رویداد آرشیو، یا: آن چه زندگی آینده را در حقیقت افتتاح می‌کند. این است آن چه صفحات آتی ما را به اندیشیدنش وامی‌دارند.

اینک در سال ۲۰۱۴ که خشونت‌های ملی‌گرایی‌ها و راست‌های افراطی در تلاشند پیروزمندانه به نهادها رخنه کنند، چنین خوانشی از پرسش‌گری‌های سیاسی - فلسفی بیهوده نیست؛ همان طور که ویژگی مثالی اراده‌ای برای دیالوگ و همبستگی اخلاقی، به‌رغم تمام اختلافات بارزی که در آن زمان میان سه شرکت‌کننده جریان داشت.

هنگامی که در ۵ فوریه‌ی ۱۹۸۸ مباحثه‌ی میان هانس-گئورگ گادامر، ژاک دریدا و فیلیپ لاکو-لابارت، درباره‌ی «دامنه‌ی فلسفی و سیاسی اندیشه‌ی هایدگر» در دانشگاه هایدلبرگ برگزار شد، شرایط از هر نظر آماده‌ی انفجار بود. من به یاری دوستی‌ای که با فیلیپ لاکو-لابارت داشتیم، موفق شده بودم این ملاقات رازها بیاندازم - او با دریدا، که من هنوز نمی‌شناختمش، تماس گرفته بود، و دریدا فوراً موافقت کرده بود، با سخاوت پایان‌ناپذیری که من همواره از آن پس در او می‌دیدم - و همین طور به یاری اعتمادی که گادامر به من کرد؛ او در آن زمان استاد افتخاری‌ای بود که همچنان در دانشگاه هایدلبرگ سمینار بسیار پر مخاطبی را ارائه می‌داد^۲. و اما در رابطه با راینر ویل، استاد و فیلسوف در هایدلبرگ و دستیار پیشین گادامر، ما پیش‌تر این موقعیت را داشتیم که با هم کار کنیم و طبیعتاً ایده‌آل بود که او مدیر نشست باشد. سال ۱۹۸۸ دوره‌ی پر مجادله‌ای بود. مجادله‌ای که مسلماً با انتشار کتاب ویکتور فاریاس، هایدگر و نازیسم، در انتشارات وردیه در سال ۱۹۸۷ برافروخته شده بود،

1. l'à-venir

۲. «آثار گردآمده»ی (Gesammelte Werke) گادامر در آن زمان در حال انتشار بود: این آثار در ده مجلد از سال ۱۹۸۵ تا ۱۹۹۵ در انتشارات Mohr Siebeck (توینگن) انتشار یافتند. در سال ۱۹۸۸، بخشی از کتاب *Wahrheit und Methode*، حقیقت و روش، خطوط اصلی یک هرمنوتیک فلسفی (۱۹۶۰) توسط اتین سکر و پل ریکور (Paris, Seuil, ۱۹۷۶) ترجمه شده بود.